

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰ اراز یک ابر قهرمان



نویسنده:

علیرضا حسن زاده



سلام به شما دوست عزیزى كه قصد مطالعه اين كتاب الكترونيكى را داريد. بايد به شما بگويم كه اين كتاب با بهره گيرى از مطالعات، تحقيقات و همچنين تجربيات زيادى نگاشته شده است و ۱۰ راز مهم انسان هاى بسيار موفق (چه از نظر دنيوى و چه اخروى) را مورد بررسى قرار داده است. براى تأليف اين كتاب ساعت ها وقت گذاشته ام اما كاملاً رايگان است (دوست دارم اين كتاب را به ديگران نيز هديه بدهيد و مطالب آنرا تغيير ندهيد). هدف بنده خدمت به هموطنان و هموعان عزيزم است.

زندگى صحنه ي يكتاى هنرمندى ماست
هر كسى نغمه ي خود خواند و از صحنه رود
صحنه پيوسته به جاست
خرم آن نغمه كه مردم بسپارند به ياد

عليرضا حسن زاده (مدير وب سايت فكر پرواز)

www.fekreparvaz.com

راز اول

توکل



توکل یعنی سپردن نتیجه کارها به خدا و آرام و رها بودن و این به این معنا نیست که ما بگوییم توکل به خدا و هیچ تلاشی نکنیم، در واقع شما باید تلاش خود را بکنید و نتیجه کار را به دانای کل بسپارید چرا که ما از آینده بی خبریم و نمیدانیم چه رخداد هایی در پیش رو داریم.

شاید بعضی وقتها بعد از تلاش هایتان و همچنین توکل به خدا به نتیجه دلخواهتان نرسیده و از این موضوع ناراحت شده باشید اما خداوند به شما نشان داد که سر انجام این رخداد کاملاً به نفع شما تمام شده است.

به مثال زیر توجه کنید:

آیا یک نوجوانی که از خدا طلب یک دوچرخه می کند، می داند فردا چه رویداد هایی پیش رو دارد؟

اگر خداوند بدون در نظر گرفتن صلاح، خیر و عاقبت آن نوجوان دوچرخه را همان لحظه به آن نوجوان بدهد و فردای آن روز پسرک با دوچرخه ی خود تصادف کند و آسیب های جبران ناپذیری متحمل شود آیا به خدا اعتراض نمیکند و نمیگویند که خدایا تو که



که میدانستی این اتفاق می افتد، تو که از آینده با خبری، چرا خواسته ی مرا اجابت کردی؟!

خداوند در قرآن میفرماید:

”وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا“

تَعْلَمُونَ (چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را

دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا

می داند، و شما نمی دانید. سوره بقره، آیه ۲۱۶)

و بدانید که خدا بخیل نیست و از خزائنش کم نمیشود، (لطفا این موضوع را باور کنید تا شاهد نعمت های فراوان در زندگی خود باشید) و او فقط برای بندگانش خیر (سلامتی، رابطه ی خوب، پول حلال، افتخارات، بهشت، سلامتی عقیده (نگرش)، قرب و نزدیکی به خود و...) میخواهد.

امام علی (علیه السلام):

رُبَمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاَهُ وَأُوتِيْتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا أَوْ صَرَفْتَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ. فَلَزِبْ أَمْرًا قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَكَ دِينُكَ لَوْ أُوتِيْتَهُ. فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَيُنْفِي عَنْكَ رِبَالُهُ؛

گاه چیزی را (از خدا) می خواهی اما به تو داده نمی شود و دیر یا زود بهتر از آن به تو داده می شود، یا به خاطر آنچه خیر و مصلحت تو در آن است از برآورده شدن خواسته ات دریغ می شود، زیرا بسا خواسته ای که اگر برآورده شود به نابودی و تباهی دین تو می انجامد، پس، چیزی بخواه که زیبایی و نیکیش برایت می ماند و پیامد سوئی ندارد.

(نهج البلاغه، نامه ۳۱)

بیاید اعتماد کنیم قطعاً زیان نمی بینیم

آتشی نمی سوزاند ابراهیم را

و دریایی غرق نمی کند موسی را

کودکی، مادرش او را به دست موجهای نیل

می سپارد

تا برسد به خانه ی فرعون تشنه به خوئش

دیگری را برادرانش به چاه می اندازند

سر از خانه ی عزیز مصر درمی آورد

مکر زلیخا زندانش می کند

اما عاقبت بر تخت ملک می نشیند

از این قصص قرآنی هنوز هم نیاموختی؟!

که اگر همه ی عالم قصد ضرر رساندن به

تو را داشته باشند

و خدا نخواهد نمی توانند.

او یگانه تکیه گاه من و توست!

پس به تدبیرش اعتماد کن

و به حکمتش دل بسپار

منبع: haramonline88.blogfa.com

به او توکل کن



باید بدانید که کار شیطان **ناامید** کردن شما است .

میخواهم حقیقتی را به شما بگویم و آن اینکه خداوند آنقدر رحمان و بخشنده است که میگویند "گر صد بار توبه شکستی باز" و شیطان جلوی نزدیک شدن شما به خدا را می گیرد وقتی انسان جوان است او می گوید: حالا جوانی و وقت داری، هر کاری دوست داری انجام بده و در پیری توبه میکنی.

و هنگام پیری شما را از رحمت خدا ناامید می کند و می گوید دیگر قلبت خیلی سیاه شده و راه باز گشتی وجود ندارد سعی او تا لحظه مرگ این است که شما را از رحمت خدا ناامید کند ولی خدا همیشه پذیرای شما است آن هم چه جور، خداوند فرموده است: هنگامی که بنده ام توبه میکند من آنقدر خوشحال میشوم به مانند خوشحالی کسی که در بیابان بدون آب و غذا مانده است و در حال هلاک شدن است، ناگهان آب و غذا می یابد.



ونکته آخر اینکه خداوند انسان را عاقل آفریده است یعنی متوجه میشویم چه چیزی خوب است و چه چیزی بد، بنابراین اول تصمیمی عقلانی بگیریم سپس توکل کنیم و بعد تلاش کنیم، تصمیم غیرعقلانی یعنی این که مثلاً کسی که شنا بلد نیست برود وسط دریا و بگوید توکل بر خدا و خود را به دریا پرت کند و امید به نجات یافتن داشته باشد. هر انسانی می‌فهمد که این یک حماقت است و کاری خلاف عقل سلیم است.

همچنین درباره‌ی تلاش، ما مأمور به وظیفه هستیم نه نتیجه، ما با تمام توان تلاشمان را میکنیم و از خدا می‌خواهیم که هر امری را که به صلاحمان است را رقم بزند و از آنجایی که به او ایمان و اعتماد داریم آرام هستیم و لحظه‌ای ترس و ناامیدی در قلب خود راه نمیدهیم چرا که نتیجه‌ی کار را به خدای آگاه از همه چیز سپرده ایم.

“خدایا چنان کن سر انجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار“

امام جواد علیه السلام

الثَّقَّةُ بِاللَّهِ ثَمَنٌ لِّكُلِّ غَالٍ وَسَلَّمَ إِلَىٰ كُلِّ غَالٍ

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۴۶

اعتماد به خدا

بھسامی ہر چیز کمران بہنا

و نزد بانی بہ سومی ہر بندانی است

راز دوم

فکر

میخواهم به شما بگویم هر کس به هر جا رسیده است با **فکر** رسیده است. فکر کردن به قدری مهم است که در دین اسلام عبادت محسوب میشود و همچنین معصومین(ع) فرموده اند که **یک ساعت تفکر** بهتر از **هفتاد سال** عبادت است.

تفکر چی هست؟

در علم منطق فرایند تبدیل مجهول به معلوم توسط ذهن را فکر کردن میگویند یعنی شما از قبل یک سری اطلاعات، تجربه و... در ذهن دارید و یک سری اطلاعات جدید نیز از کتاب ها و منابع مختلف فرا میگیرید و با ترکیب و یا ارتباط دادن این اطلاعات با یکدیگر و... به اطلاعات و نتایج جدیدی دست پیدا میکنید.





چگونه فکر کنیم؟

در ابتدا باید به کارهایی که شما را به فکر وادار

می کنند روی آورید مثل شرکت در کلاس، وقتی شما در کلاس درس، با دقت به حرف های استادان گوش میدهید و اطلاعات را در ذهنتان تحلیل میکنید، در حال فکر کردن هستید، شاید کسانی که از فرایند تفکر بی اطلاع اند، فرایند تحلیل اطلاعات

که در ذهنتان رخ میدهد را متوجه نشوند چرا که مردم عادی (غیر از دانشمندان علوم روانشناسی و تفکر) از چگونگی فرایند تفکر بی اطلاع هستند و همچنین این عمل خیلی سریع صورت می گیرد و غیر ارادی انجام می شود ولی بعد از مدتی تمرین و فکر کردن در کلاس می توان آن را کنترل کرد و به صورت ارادی به تفکر پرداخت.

کنفوسیوس میگوید:

انسان سه راه دارد:

راه اول از **اندیشه** می گذرد، این والاترین راه است؛

راه دوم از **تقلید** می گذرد، این آسان ترین راه است؛

راه سوم از **تجربه** می گذرد، این تلخ ترین راه است!

یک انسان هوشمند اول فکر مرکنده و سپس تصمیم مرگیرد

یک انسان هوشمند اول فکر مرکنده و سپس صرف میزند

همه فکر می کنند

وقتی کسی از شما اسم تان را میپرسد، این سوال در ذهن تحلیل میشود و سپس پاسخ میدهید.

هر انسانی که متولد می شود به همراه خود قوه ی تفکر را نیز به همراه دارد یعنی تفکر امری تکوینی است و همه ی انسان ها فکر می کنند، منتهی بعضی ها این قضیه را نمیدانند و بعضی ها هم میدانند و به صورت اختیاری و ارادی فکر می کنند.



وقتی یک فروشنده در حال حساب و کتاب است یعنی دارد فکر می کند.

انسان متفکر است

اگر شما به یک ماهی بگویید چرا در آب زندگی میکنی؟ او پاسخی ندارد، چرا که نمیتواند بیاندهد و خود نمیداند چرا در آب زندگی میکند ولی اگر به یک انسان (قوه ی تعقل امری فطری است) بگویید چرا در خشکی زندگی میکنی و در آب زندگی نمیکنی او برای سوال شما پاسخ های فراوانی دارد از جمله اینکه سیستم جسمی انسان برای خشکی ساخته شده است و انسان بدون تجهیزات در آب نمی تواند زندگی کند.

فکر کردن حوصله میخواد

انسان ها برای کار های عملی خیلی مشتاق هستند مثلا اگر به دوستتان بگویید آیا مایلی به استخر برویم و یا فوتبال به احتمال زیاد او با اشتیاق قبول می کند ولی اگر به او بگویید بیا برویم به فلان سمینار یا کلاس که مطالب جدیدی فرا بگیریم و یا مهارتی کسب کنیم خیلی تمایل نشان نمیدهد چرا که فکر کردن حوصله و صبر میخواد.



برای چی؟

برای کی؟

آخرش که چی؟

چطور؟

از شما میخوایم قبل از انجام هر کاری از خودتان چهار سوال پرسید و بعد به آن کار پردازید:

سوال اول: برای چی؟ (چرا):

قصد و هدف من از انجام اینکار چیست؟ مثلا

شخصی که مدام به بازی های کامپیوتری میپردازد اگر این سوال را از خود پرسد متوجه میشود که این کار به پیشرفت و رشد او کمک چندانی نخواهد کرد و یا کسی که یک فست فود سفارش میدهد اگر از خود پرسد که برای چی این فست فود را سفارش داده ام؟، شاید به خود پاسخ دهد برای اینکه انرژی فیزیکی بدنم را تامین کنم، و دوباره از خود سوال میکند آیا این فست فود برای بدن من مفید است؟ و همینطور از خود سوال میکند و متوجه خیلی از مسائل میشود.



سوال دوم: برای کی؟

پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در رهنمودی به اباذر فرموده اند:

«یا اباذر لیکن لک فی کل شیء نية صالحة حتی فی النوم و لالکل» (ای ابوذرا! باید در هر کاری هدفی پاک داشته باشی، حتی در خوردن و خوابیدن).

منبع: سایت حوزه

<http://www.hawzah.net/fa/magazine/view/3674/3707/19613>

نیت (قصد) یعنی از خود پرسیم برای چی؟ و برای کی؟ و چه خوب است که انسان کارهایش را برای خدا انجام دهد مثلا غذا میخورد برای اینکه انرژی بگیرد و به خلق خدا خدمت کند و یا برای خانواده اش کسب در آمد حلال کند و چون برای انجام دستور خدا است (خدمت به خلق خدا و کسب در آمد خانواده)، خداوند برای او پاداش در نظر می گیرد و این پاداش را یا در این دنیا و یا در دنیای پس از مرگ به او میدهد. در کل ما که باید غذا را بخوریم، چه ضرری دارد که با نیت الهی بخوریم؟

سوال سوم: آخرش که چی؟

خوب مهندس شم آخرش که چی؟

برای استخدام و کسب درآمد؟

برای استاد دانشگاه شدن؟

برای اینکه مردم مرا مهندس خطاب کنند؟

سوال چهارم: چطور اینکار را انجام بدم؟

در این مرحله شما با کسب آگاهی، تفکر، مشورت و... متوجه می شوید که چگونه به بهترین نحو آن کاری را که قصد انجامش را دارید را دهید و به بیراهه نروید.

بدانید که اگر در راه درست حرکت کنید حتی با سرعتی کم بالاخره روزی به مقصد خواهید رسید ولی اگر راه را اشتباه انتخاب کرده باشید هر چه سریع تر بروید بیشتر از اهدافتان دور می شوید.



راز سوم

همت

امام علی (علیه سلام) می فرمایند:

الْمَرْءُ بِهَمَّتِهِ لَا بِقُنْيَتِهِ

ارزش انسان به همت اوست ، نه به ثروت او

(تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۴۷ ، ح ۱۰۲۶۴)

وقتی خداوند انسان را آفرید به خود گفت :

”فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (قرآن کریم-سوره مؤمنون آیه ۱۴)“

آفرین به خدایی که بهترین خلق کنندگان است.

و خدا این جمله را فقط زمان خلقت انسان به خود گفت.



دوستان ما یک بدن مادی نیستیم بلکه این بدن را خداوند عزیز به ما داده است تا به وسیله آن بتوانیم در این دنیای مادی زندگی کنیم، خواهش می کنم برای شناخت خود تلاش و تحقیق کنید.

پس قدر خودتان رو بدانید و برای خودتان ارزش قائل شوید و خودتان را دست کم نگیرید، حتی انسان می تواند با اطاعت از خدا به مقامی برسد که جانشین خدا در روی این کره ی خاکی باشد و خداوند در قرآن به این موضوع اشاره کرده است و به

فرشتگان خود گفته است: ”إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (سوره بقره-آیه ۳۰)“

من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد.



در این بخش میخواهم بپرسم اگر شما یک ماشین لباسشویی تهیه کنید آیا دفترچه راهنمای آن را مطالعه نمی کنید؟ پاسخ مشخص است، اگر شما دفترچه راهنما را مطالعه و عملی نکنید به دستگاه آسیب میرسانید، دفترچه راهنمای انسان و این دنیا هم توسط خالق مطلق (و چه کسی از آفریننده ی همه چیز نسبت به آنها دانا تر است؟) به نام قرآن نازل شده است و توسط پیامبر اکرم (ص) و ۱۲ امام بعد از ایشان تبیین شده است (چرا که قرآن کلیات را گفته است و نیاز به متخصصانی است که آن را شرح دهند). حالا که فهمیدید شما چقدر با ارزش هستید از شما میخواهم که هدف های بزرگی در سر داشته باشید و آنها را بر روی کاغذ یادداشت نمایید و با تمام توان برای رسیدن به آنها تلاش کنید و بعضی ها می گویند ما یک خانه و یک ماشین داشته باشیم کافی است، ولی من میخواهم به شما بگویم که **به کم قانع نباشید** و این با طمع فرق میکند، اصلاً خداوند نگفته از نعمت های دنیوی استفاده نکنید بلکه خداوند در آیه ۳۲ سوره

اعراف میفرماید: **” قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي**

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ“

(بگو: چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟! «بگو: «اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود).

این **دل بستگی و وابستگی** به دنیا است که نهی شده است. خداوند اصلاً نخواسته ما عذاب بکشیم بلکه او میخواهد ما هم در دنیا و هم در آخرت خوشبخت باشیم، خداوند میخواهد ما پاک زندگی کنیم، خدا هیچگاه نگفته آب نخورید بلکه گفته از جوی، آب نخورید و هر کسی که از دستورات پروردگار متعال پیروی کرده است موفق شده است چه در دنیا و چه در آخرت (این موضوع را با مطالعه ی قرآن متوجه میشوید)



راز چهارم

حال

در زمان حال زندگی کنید

دوستان از لحظه ی حال و امروز استفاده کنید و کارها را به فردا و لحظات بعد موکول نکنید شاید فردا اصلا نیامد، دوست دارم به جملات زیبای زیر توجه کنید و کمی تامل کنید:

"کودکان نه گذشته و نه آینده دارند، آنها از زمان حال لذت می‌برند، کاری که تعداد معدودی از ما انجام می‌دهیم"

”بروئر“

دپروز که گذشت فردا هم هنوز نیامده ... امروز را درپاپ که فردای دپروز است
پادت پاشه...

گذشته رو اگه به دوش بکشی، کمرت خم میشه.

ولی اگه بذاریش زیر پات، قدت بلند میشه...

به یاد داشته باش،

امروز از دیروز مسن تر شدی و از فردا جوان تری...

اگر تنها یک لحظه برای رسیدن به رویاهایت باشد،

آن لحظه امروز است...

دیروز گذشت،

فردا هنوز نیامده است.

یکی از عواملی که به شما کمک میکند در لحظه حال زندگی کنید **تمرکز** است که در مورد آن کمی جلوتر توضیح داده ام.

گذشته را رها کنید و بدانید که این لحظه ی حال شما است که آینده شما را می سازد همان طور که افکار و اعمال گذشته ی تان الان شما را ساخته است.



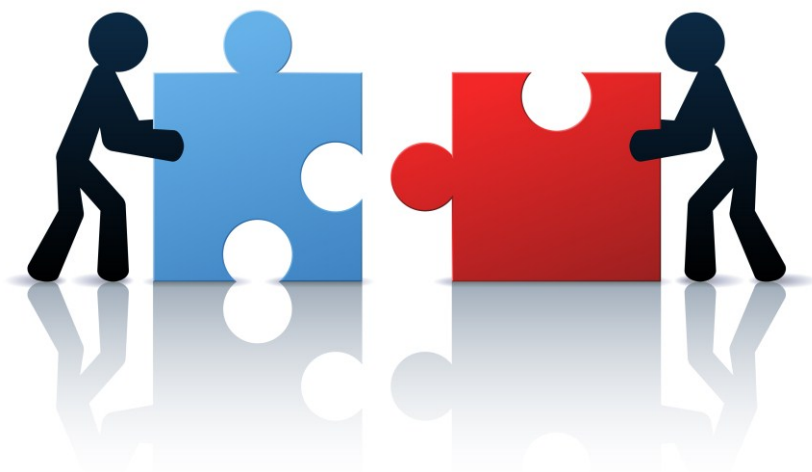
راز پنجم

تقسیم کارها

یک فیل را چگونه میتوان خورد؟؟؟



لقمه لقمه



ذهن انسان به انجام کار های طولانی زیاد رغبت نشان نمی دهد مثلا اگر شما بگویند من دیگر دروغ نمیگویم ذهن قبول نمیکند که برای تمام عمر عادت خود را کنار بگذارید و دیگر دروغ نگویند

ولی اگر تصمیم بگیرید که فقط برای یک روز دروغ نگویند ذهن قبول میکند و می گوید یک روز زود تمام می شود و این امر یک روز یک روز ادامه می یابد تا شما دروغ گویی را کنار بگذارید و دیگر تا آخر عمر دروغ نگویند.

شاید شما فکر کنید مطالعه ی یک کتاب ۵۰۰ صفحه ای کاری سخت و یا نشدنی باشد ولی اگر هر روز فقط ۱۰ صفحه از این کتاب را بخوانید ۵۰ روز بعد شما این کتاب را مطالعه کرده اید و به این موضوع پی می برید که این کار اصلاً هم نشدنی نبود.

ما باید هدف های خود را به اهداف کوچک تر خرد کنیم مثلا اگر هدف شما این باشد که یک سخنران حرفه ای شوید و برای ۲۰۰۰ نفر سخنرانی کنید، در ابتدا باید یک زمانی برای رسیدن به این هدف مشخص کنید، مثلا ۳ سال بعد بیاید از کم شروع کنید مثلا بگویند من باید تا یک ماه بعد خودم را آماده کنم که برای ۳ نفر از دوستانم سخنرانی کنم مرحله بعد حرف زدن در جمع های خانوادگی است و در مرحله بعد کنفرانس در کلاس و کم کم به هدف اصلی خود برسید.

راز ششم

تجربه

ما آنقدری وقت نداریم که تمام راه‌ها را بپیماییم و باید از تجربه کسانی که قبل از ما راه‌های مختلف را رفته‌اند و زندگی خود را صرف اون راه‌ها کرده‌اند استفاده کنیم. مثلاً شما می‌خواهید در یک کشور اروپایی تحصیلات خود را ادامه دهید، اول باید در مورد تحصیل در آنجا تحقیق کنید سپس از کسی که در آنجا تحصیل کرده است بخواهید که تجربه خود را در اختیار شما قرار دهد و این مثل این است که شما چند سال در آنجا زندگی کرده‌اید و با شرایط مختلف آنجا آشنایی دارید و اینکار شما را چند سال جلو می‌اندازد.

اگر می‌خواهید راه پیش‌رویتان را بشناسید، از کسی بپرسید که از آن رد شده



هیچ مدرسه‌ای بالاتر از

تجربه نیست...

افسوس که شهریه اش

گران است

عمر

fekreparvaz.com

باشد. (ضرب‌المثل چینی)

یک کتاب یعنی یک زندگی، شاید شما بتوانید آثار یک بزرگی را در مدتی کوتاه مطالعه کنید، ولی بدانید که شما حاصل تمام زندگی او را مطالعه می‌کنید.

از تجربیات گذشته خود نیز استفاده کنید و نگذارید که در دفتر خاطرات زندگیتان خاک بخورند.

راز هفتم

علاقه

علاقه: میل و اشتیاق قلبی ای است نسبت به چیزی مشخص.

از هر آدم موفق که سوال کردم که رموز موفقیت شما چه چیز هایی بوده است ؟
اکثراً از **علاقه** به عنوان یکی از این رموز نام می برند.

علاقه، تمرکز به دنبال دارد و علاقه، کاری با شما میکند که گذر زمان را حس نکنید.

شاید خیلی وقتها برای شما پیش آمده باشد که به مطالعه ی کتاب یا برنامه ی

تلویزیونی مورد علاقه خود مشغول شده باشید و وقتی به ساعت نگاه میکنید می

بینید که ساعت ها گذشته و شما متوجه نشده اید، علاقه باعث می شود شما از انجام

کاری که دوستش دارید خسته نشوید و یکی از مواردی که برای موفق شدن در هر

زمینه ای لازم است علاقه است، برای همین از شما میخواهم که شغلی را انتخاب کنید

که به آن علاقه داشته باشید و از آن لذت ببرید چرا که هر کسی که در کسب و کار

خود موفق شده است به کار خود علاقه داشته (عاشق کار خود بوده است) و از آن

لذت می برده.



راز هشتم

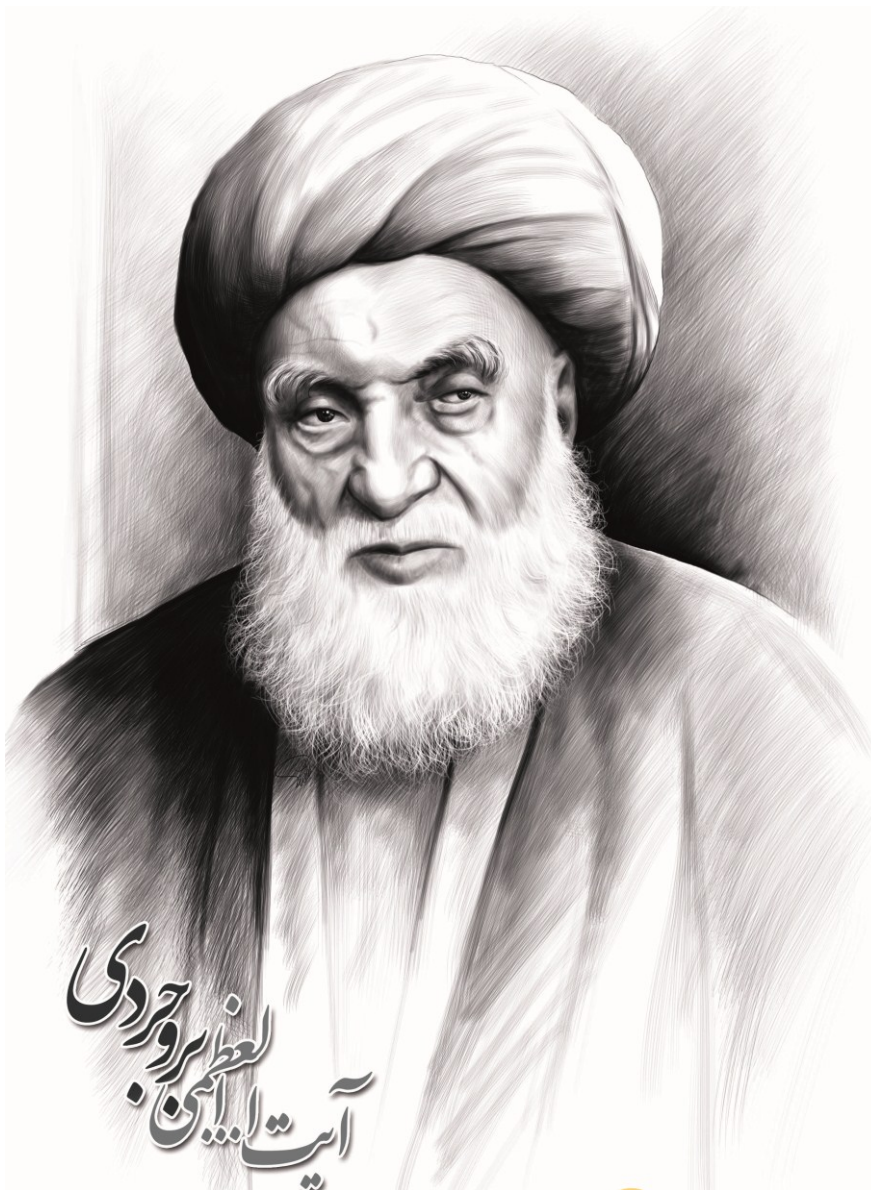
تمرکز

تمرکز حالتی است که در آن از میان افکار و آراء مختلف شخص، یک فکر در مرکز قرار می‌گیرد و بقیه افکار و آراء او نسبت به آن فکر، جنبه پیرامونی دارند. بنا به تعریفی دیگر، تمرکز حواس یعنی توانایی ثابت نگه داشتن توجه و دقت روی موضوع یا کاری که به میل و اراده انتخاب شده است و مانع شدن از اینکه این دقت و توجه به سوی موضوعات دیگر منحرف شود. (مطالعه

روشمند، عین الله خادمی، نشر پارسیان)

خورشید هر روز بر زمین می‌تابد ولی کسی یا چیزی را نمی‌سوزاند، حال اگر یک ذره بین را در مسیر نور خورشید قرار دهیم نور خورشید میتواند یک اشعه قوی برای سوزاندن باشد، در واقع ما با ذره بین نور خورشید را روی یک نقطه متمرکز می‌کنیم. از بزرگی پرسیدم که چگونه مطالبی که می‌خوانم فراموش نکنم؟ آن بزرگ گفت اگر مثل ذره بین (با تمرکز) مطلبی را در صفحه ذهنت حک کنی دیگه پاک نمیشود مثل آن سیاهی ای که بر اثر نور خورشید روی کاغذ ایجاد شد.

می گویند آیت الله بروجردی (قدس سره) آن مرجع بزرگ شیعیان روزی پس از اتمام نماز



عشاء مشغول فکر کردن روی موضوعی شدند و بعد از مدتی صدای اذان به گوششان خورد سپس گفتند همین ده دقیقه پیش نماز خواندم چگونه است دوباره اذان میگویند؟ و متوجه شدند که اذان صبح است و ایشان تمام شب را مشغول فکر کردن بوده اند و تمام شب برای ایشان در ۱۰ دقیقه سپری شده بود، این یعنی تمرکز.

تمرکز یک مهارت است و مهارت امری اکتسابی است و شما میتوانید با انجام

تمرینات تمرکز، تمرکز خود را بالا ببرید.



راز نهم

تلاش

خداوند در قرآن کریم می فرماید: **لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى** (سوره نجم - آیه ۳۹)

نیست برای انسان بهره ای جز با سعی و تلاش.

معنای درست سعی این معنایی که در جامعه رواج پیدا کرده نیست که مثلاً به فرزندتان می گوئید درس هایت را خوب بخوان و اوهم میگوید سعی ام را میکنم. در واقع معنای اشتباهی که در جامعه رواج پیدا کرده است به این معنا است که اگر تونستم انجامش میدهم ولی قول نمیدهم، حالا من از شما میپرسم اگر شما در حال سقوط از ساختمانی باشید و مأموران آتش نشانی به شما بگویند پپر پایین سعی میکنیم بگیریمت، آیا شما میپرید؟ مسلماً پاسختان نه هست چرا که اگر سعی کردند و نتونستند شما را بگیرند چی؟ ولی اگر بگویند پپر پایین می گیریمت شما این جرأت را به خودتان میدهید که به پایین پپرید چرا که نگفتند سعی میکنیم بلکه گفتند میگیریمت.

سعی یعنی حتماً انجام میدم (با هر سختی ای که دارد)

شما هر کتاب و مقاله ای که در مورد موفقیت باشد را مطالعه کنید به دو کلمه تلاش و پشتکار برخورد میکنید زیرا که هر که به هر جا رسیده با تلاش رسیده (در فکر) هم همین حرف را به شما گفتم یادتان می آید؟ این که هر که به هر جا رسیده با فکر رسیده؟ اگر یادتان نیامد بخش فکر را دوباره مطالعه کنید) میخواهم به شما بگویم که فکر و تلاش مکمل یکدیگر هستند یعنی تلاش ذهنی + تلاش جسمی در واقع شما با فکر کردن، هدف و جهت را مشخص میکنید و با تلاش به سوی آن هدف گام بر میدارید.



امام رضا علیه السلام

مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ
وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْرَأَ بِنَفْسِهِ

میزان الحکمه / حدیث - ۴۷۹



هر کس از خدا توفیق بخواد و تلاش نکند
خود را مسخره کرده است.

راز دهم

استقامت

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ (آیات ۵ و ۶ سوره شرح)

به یقین با (هر) سختی آسانی است! (۵) (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است (۶)

بعد از تلاش نوبت به استقامت میرسد، استقامت یعنی تحمل سختی‌ها (خودمونی بگم یعنی کم نیارید تحت هر شرایطی در مسیر بمانید).

استقامت اراده قوی می‌خواهد و این را بدانید که همه‌ی ما انسان‌ها دارای اراده هستیم و همین که شما بتوانید دستتان را حرکت دهید این نشان دهنده‌ی این است که شما صاحب اراده هستید.

این استقامت است که شما را می‌سازد و به اصطلاح پخته‌ی تان میکند، آیا میدانستید ما معدنی به نام معدن الماس نداریم؟

الماس در معدن ذغال سنگ ساخته میشود و به این نحو است که آن ذغال سنگی که در فشار خیلی زیاد قرار میگیرد در اثر فشار زیاد، تبدیل به الماس میشود.

شاید مدتهاست تلاش میکنید و به نتیجه نرسیده‌اید، میخواهم بگویم ادامه دهید و امیدتان را از دست ندهید شاید فاصله تان تا موفقیت یک قدم بیشتر نباشد پس به

حرکتتان ادامه دهید. شاید فکر کنید

تلاش شما بی‌ثمر است ولی بدانید که در

ضمیر ناخودآگاه شما اتفاقاتی رخ میدهد که

شما از آنها بی‌خبرید و ناگهان به پیشرفت خیلی



آیا سکاکی را میشناسید؟

”سکاکی یک آهنگر بود، در یک روز زیبا او صندوقچه ای زیبا ساخت و تصمیم گرفت که اون صندوقچه را به پادشاه زمان خود هدیه دهد و صندوقچه را نزد پادشاه برد و پادشاه و وزیران شاه در حال تحسین کردن او بودند که ناگهان دانشمندی وارد مجلس شد و شاه به احترام آن دانشمند از جای خود برخاست و نزد او دو زانوشست. سکاکی پرسید: این مرد چه کاره است؟ گفتند: یکی از علما است. با خود گفت چرا به آموختن علم مشغول نگردم که به چنین مقامی دست پیدا کنم؟ همان لحظه از مجلس خارج شد و تصمیم گرفت دانشمند شود و در حالی که ۳۰ سال از عمرش گذشته بود به مدرسه رفت. استاد به او گفت برای امتحان این جمله را به تو می آموزم: پوست سگ با دباغی پاک میشود. سکاکی این جمله را هزار بار برای خود تکرار کرد و وقتی فردا به مدرسه رفت استاد گفت درس دیروز را بیان کن. سکاکی گفت سگ گفته: پوست استاد با دباغی پاک میشود. همه شاگردان خندیدن و استاد شاگردان را از خندیدن منع کرد و درس دیگری به او آموخت. سکاکی از حرفها و خنده های آنها رنجیده خاطر نشد و با صبر و استقامت و پشتکار بسیار ۱۰ سال سختی کشید، ولی نتوانست کاری کند و طاقتش به سر آمد و دل به صحرا زد و روزی در کوه ها میگشت به جایی رسید که قطرات آب از بالا می چکید و سوراخی در دل سنگ ایجاد کرده بود. سکاکی وقتی این صحنه را مشاهده کرد با خود گفت: آخر دل من سخت تر از سنگ نیست و همان لحظه به شهر بازگشت، باعزمی ثابت و نیتی استوار، پایداری کرد و به تحصیل مشغول شد. خداوند نیز او را یاری کرد و از دانشمندان و نوابغ بزرگ و مشهور ادبیات عرب شد. (منبع داستان: کتاب جوانان و الگوهای موفق، علی سرلک)

ملک الشعراى بهار میگوید:

پافشارى و استقامت میخ / سزدار عبرت بشر گردد
بر سرش هر چه بیشتر کوبند / پافشاریش بیشتر گردد





گروه تحقیقاتی فکر پرواز

www.fekreparvaz.com

پایان

زمستان ۱۳۹۴